

اختلاس به مثابه آسیبی فراگیر در کارگزاران حکومت از دیدگاه نهج البلاغه

محمد شریفی^۱؛ مجتبی فائق^۲

چکیده

اختلاس یکی از مهمترین آسیبهای اقتصادی در جهان معاصر است. کارگزاران حکومت به دلیل برخورداری از منصب و جایگاه حکومتی و دسترسی به منابع عمومی و سرمایه‌های ملی ممکن است دچار این آفت شوند. در این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی، عوامل مؤثر در بروز اختلاس و پیامدها و ناهنجاریهای اجتماعی، اقتصادی، نظامی و قضایی ناشی از آن در آئین زمامداری و حکمرانی امام علی(ع) مورد توجه قرار گرفته است. شناخت این آسیب با عنایت به سیره اقتصادی حکومت امام علی(ع) و با مطالعه محوری نهج البلاغه در اتخاذ رویکرد مناسب توسط کارگزاران نظام اسلامی کاربرد دارد و از آن، راهکارهایی برای پیشگیری و مقابله با فراگیری اختلاس در کارگزاران حکومت به دست می‌آید.

کلید واژه‌ها: اختلاس، آسیب، کارگزاران حکومت، حکمرانی اسلامی، نهج البلاغه.

^۱ دانشیار دانشگاه مازندران (نویسنده مسؤل) / m.sharifi@umz.ac.ir

^۲ دکتری علوم قرآن و حدیث پژوهشکده نهج البلاغه / mojtaba.faeqh@yahoo.com

بیان مسئله

اختلاس به معنای ربودن و دزدیدن است. (حمیری، بی تا: ۱۸۹۹/۳)، این واژه در کتابهای لغت با ویژگیهای مختلفی توصیف شده است: ربودن بر پایه خود برتربینی و تکبر (فراهیدی، بی تا: ۱۹۷/۴)؛ ربودن سریع (مطرزی، بی تا: ۲۶۴/۱)؛ ربودن در حالی که صاحب مال از آن غافل است. (موسی، بی تا: ۱۸۰/۱)؛ ربودن با ظلم و چیرگی (ابوجیب، بی تا: ۱۱۹). اختلاس به معنای سلب کردن نیز آمده است (ابن منظور، بی تا: ۶۵/۶؛ جوهری، بی تا: ۹۲۳/۳)؛ ولی تفاوت اختلاس با استلاب این است که به مخفیانه برداشتن مال، اختلاس و به آشکارا برداشتن و ربودن مال، استلاب گفته می شود (طریحی، ۱۳۷۵: ۶۶/۴).

آسیب در حوزه سیاسی و اجتماعی، به معنای ظهور عیب و نقص و خروج از وضع طبیعی و در نهایت پیدایش تباهی است. چنانکه از این واژه در آموزه های اسلامی به "آفت" که به معنای تباه کننده ای که به چیزی اصابت کند، تعبیر شده است. (فراهیدی، بی تا: ۲۱۰/۸)

کارگزاران حکومت، ناظر به دو گروه حاکمان و واسطه میان حاکمان و مردم - یعنی مدیران اجرایی، نظامی، قضایی - است (معلوف، ۱۳۷۴: ۵۳۰ و ۵۳۱)

اختلاس یکی از مهمترین آسیبهای اقتصادی کارگزاران حکومت است که شناخت نشانه ها و عوامل مؤثر در پیدایش یا دامن زدن به آن می تواند از بروز ناهنجاریهای اجتماعی، اقتصادی، نظامی و قضایی جلوگیری کند، شناسایی راههای پیشگیری و مقابله با این آسیب بر اساس رویکرد حکومت امام علی (ع) نیز یکی از مهمترین مسائل اقتصادی حکومت اسلامی است که در تحقیقات موجود مغفول مانده است.

برخی از مهمترین سؤالات درباره اختلاس کارگزاران حکومت عبارتست از:

۱- نشانه های اختلاس کارگزاران حکومت چیست؟

۲- مؤلفه های اصلی و آسیب زا در اختلاس کارگزاران حکومت کدام است؟

۳- اختلاس کارگزاران حکومت چه آسیبهایی در پی دارد؟

۴- راههای پیشگیری و مقابله با اختلاس کارگزاران حکومت با عنایت به آیین زمامداری علوی (ع) کدام

است؟

از این رو در این تحقیق؛ شناسایی نشانه ها، عوامل آسیب زا، پیامدهای ناگوار اختلاس و راههای پیشگیری و مقابله با آن بر مبنای عملکرد حکمرانی امام علی(ع) مدنظر است.

در آموزه های اسلامی به ویژه تعالیم نبوی(ص) و آیین زمامداری امام علی(ع) از اختلاس به عنوان یکی از مهمترین آسیبهای اقتصادی کارگزاران حکومت به شدت نهی شده است. پیامبر اکرم (ص) فرزندان عبد المطلب را از تصدی جمع آوری زکات منع نمودند تا مبدا سهمی از اموال به دست آمده را به واسطه خویشاوندی با ایشان اختلاس کنند. (هاشمی خویی، ۱۴۰۰ق: ۲۹۱/۲۰)

حضرت علی(ع) نیز، اختلاس و خیانت در اموال مسلمانان را عامل خواری و رسوایی در دنیا و آخرت معرفی می کند؛

«وَمَنْ اسْتَهَانَ بِالْأَمَانَةِ وَ رَتَعَ فِي الْخِيَانَةِ وَلَمْ يُنْزَهُ نَفْسَهُ وَدِينَهُ عَنْهَا فَقَدْ أَحْلَىٰ بِنَفْسِهِ فِي الدُّنْيَا الذُّلَّ وَ الْخِزْيَ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ أَذْلُ وَ أَخْزَىٰ»؛ (نهج البلاغه، نامه ۲۶)

«و کسی که امانت را سبک شمارد، و به آن خیانت ورزد و جان و دینش را از آن پاک نکند خود را در دنیا به ذلّت و خواری انداخته، و در آخرت خوارتر و رسواتر خواهد بود».

ایشان در ادامه بزرگترین خیانتها را خیانت به اموال مسلمانان می دانند. (همان)

نشانه اختلاس

مهمترین نشانه اختلاس کارگزاران، وابستگی و سرسپردگی به دشمنان حکومت اسلامی است. نفسی که تزکیه نشده باشد و تصور کند که بیت المال مسلمانان، مال شخصی اوست، زمانی که در معرض خطر قرار گیرد به فکر چاره جویی افتاده و به دشمنان اسلام و مسلمانان پناهنده می شود؛ چنانکه بیشتر فرمانداران و کارگزاران امام علی(ع) که در امانت، خیانت کردند وقتی عرصه را بر خود تنگ دیدند به شام گریخته و به معاویه پناه بردند. (ثقفی، ۱۴۱۰ق: ۵۲۱/۲، ۵۲۷، ۵۳۳؛ ابن ابی الحدید، ۱۳۳۷: ۱۸۷/۴؛ یعقوبی، بی تا: ۲۰۰/۲؛ بلاذری، ۱۴۱۷ق: ۱۵۹/۲)

عوامل مؤثر در اختلاس

عوامل مؤثر در اختلاس کارگزاران حکومت دو جنبه درونی و بیرونی دارد. جنبه درونی شامل؛ ضعف ایمان به خدا و قیامت، عدم تزکیه و پیروی از هوای نفس، زیاده خواهی و ترس از دست دادن جایگاه حکومتی است و جنبه بیرونی به عدم توجه حاکمان و مدیران ارشد به معیشت زیردستان خود برمی گردد.

عوامل درونی:

ضعف ایمان به خدا و روز حساب یکی از مهمترین عوامل مؤثر در خیانت کارگزاران به اموال مسلمانان است، حضرت علی(ع) خطاب به عبدالله بن عباس، ضعف ایمان به خدا و غفلت از حسابرسی روز قیامت را مهمترین عامل خیانت او به بیت المال می داند:

« پس نه پسر عمویت را یاری کردی و نه امانت را به طور صحیح ادا نمودی، تلاش تو برای خدا نبود و گویی که دلیلی از جانب پروردگار برایت وجود نداشت...سبحان الله، پناه بر خدا آیا به قیامت معتقد نیستی و از حساب و سؤال آن روز هراس نداری». (نهج البلاغه، نامه ۴۱)

دومین عامل درونی مؤثر در اختلاس کارگزاران حکومت، عدم تزکیه و پیروی از هوای نفس است. وقتی اشعث بن قیس کارگزار آذربایجان در بیت المال مسلمانان خیانت کرد، حضرت(ع) فریب هوای نفس خوردن را عامل این آسیب معرفی نمودند. (یعقوبی، بی تا: ۲/۲۰۰؛ بلاذری، ۱۴۱۷ق: ۲/۱۵۹)

حضرت علی(ع) در توییح منذر بن جارود که چهار هزار درهم از اموال خراج را ربوده بود اطاعت از هوای نفس را عامل اختلاس او دانسته، فرمودند:

«آنچه درباره تو به من گزارش داده اند این است که دست از اطاعت هوای نفست برنمی داری...» (نهج البلاغه، نامه ۷۱). ایشان هنگامی که از اختلاس نعمان بن عجلان نیز آگاه شدند، عدم تزکیه نفس را عامل خیانت او و پیامد آن را زیان دنیا و آخرت بیان نمودند. (یعقوبی، بی تا: ۲/۲۰۱؛ بلاذری، ۱۴۱۷ق: ۲/۱۵۹)

زیاده خواهی، عامل درونی دیگر در اختلاس کارگزاران است. وقتی عبدالله بن عباس در بیت المال خیانت کرد، سهم خود را بیش از آنچه اختلاس کرده بود دانست، امام علی(ع) زیاده طلبی او را مذمت نموده، فرمودند:

« همه شگفتی من از آن است که تو خود را نزد خویش پاک می دانی به اینکه حق تو در بیت المال خدا بیشتر از آن است که گرفته ای و بیشتر از آنچه برای فردی از مسلمانان است، حق داری». (کشی، ۱۴۰۹ق: ۶۲/۱؛ ابن عبد ربّه اندلسی، ۱۴۰۴ق: ۵/۱۰۷؛ صفوت، بی تا: ۵۱۹/۱)

علاوه بر این حضرت علی(ع) برای جلوگیری از اختلاس زیاد بن ابیه، او را از زیاده خواهی و اسراف برحذر داشتند. (نهج البلاغه، نامه ۲۱)

چهارمین عامل درونی اختلاس کارگزاران حکومت با عنایت به آموزه های امام علی(ع) ترس از دست دادن جایگاه حکومتی است. برخی کارگزاران به دلیل سوء ظن به ماندگاری قدرت، فرصت به دست آمده را غنیمت شمرده و از هرگونه چپاول کوتاهی نمی کنند، چنانکه در نامه ۵۳ این عامل را تبیین شده است؛

«آن وقت مردم درمانده و فقیر می گردند که زمامدارانشان در فکر جمع کردن ثروت هستند و به پایداری (حکومت و ریاست خود) اطمینان نداشته و از آنچه مایه عبرت است کمتر استفاده کنند». (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

از این رو می توان گفت مهمترین عوامل درونی اختلاس (خیانت کارگزاران به اموال مسلمانان) عبارتند از: ضعف ایمان به خدا و روز حساب؛ عدم تزکیه و پیروی از هوای نفس؛ زیاده خواهی و نیز ترس از دست دادن جایگاه حکومتی.

عامل بیرونی:

مهمترین عامل بیرونی اختلاس کارگزاران، عدم رسیدگی کامل حاکمان و مدیران به معیشت و نیازهای اقتصادی کارمندان خود است. وقتی حاکمان به نیازهای اقتصادی کارگزاران خود بی توجه باشند و کارگزاران از پشتوانه اعتقادی قوی بهره مند نباشند، عذر و بهانه پیدا می کنند تا در برخی موارد برای برطرف کردن نیازهای ضروری خود از اموال مسلمانان اختلاس کنند.

حضرت علی(ع) در سفارش به مالک اشتر این عامل مهم را متذکر شده، فرمودند:

«روزی ایشان را فراوان قرار ده که این عمل باعث می‌شود که برای اصلاح نفس خویش قوت بگیرند و از خوردن آنچه زبردستان (اموال مسلمانان) است بی‌نیاز گردند. و حجت و دلیلی است بر آنها اگر با فرمانت مخالفت نمایند و یا در امانت خیانت کنند». (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

آسیبهای ناشی از اختلاس

اختلاس پیامدهای ناگواری برای جامعه از جمله؛ تضییع حقوق طبقات مختلف مردم را در پی دارد. عموم مردم، مستضعفان و اقشار آسیب پذیر و کارگزاران حکومت که حقوق و مزایای آنها از بیت المال پرداخت می‌شود، گروههای مختلفی هستند که از درآمدهای مالیاتی و اموال عمومی سهم می‌برند. وقتی کارگزاری از اموال عمومی جامعه اسلامی اختلاس کند در بهره‌مندی گروههای مختلف مذکور خلل ایجاد شده و آنها از دریافت حق خود محروم می‌شوند که پیامد آن افزایش فقر و ایجاد نارضایتی از حکومت است.

حضرت علی(ع) از بین رفتن حقوق گروههای مختلف را پیامد اختلاس کارگزار خیانت پیشه خود دانسته، خطاب به او می‌فرمایند:

«چگونه خوردن و آشامیدن برایت گواراست در حالی که خود می‌دانی که مشغول خوردن و آشامیدن حرام هستی؟ برای خود کنیزان می‌خری و با زنان از مال بچه‌های یتیم و دردمندان و مؤمنین مجاهد ازدواج می‌کنی همان مؤمنین مجاهدی که خداوند این اموال را به آنان اختصاص داده و این شهرها را به وسیله آنها محافظت و نگاهداری نموده است». (نهج البلاغه، نامه ۴۱)

مهمترین عامل قوام و پایداری نیروهای نظامی، که مسئولیت حراست از مرزها و سرزمینهای اسلامی را بر عهده دارند، دریافت حقوق کافی از بیت المال است، چنانکه امام علی (ع) در سفارش به مالک اشتر تأمین کامل نیازهای سپاهیان از اموال عمومی را مورد توجه قرار می‌دهند؛

«استقامت سپاهیان جز به اموالی که خداوند از مالیات برای آنها مقرر فرموده نخواهد بود اموالی که، به وسیله آن در مبارزه با دشمنان تقویت می‌شوند و به آن در اصلاح امور خود اعتماد می‌نمایند و آن، هنگام حاجت و نیازمندی ایشان به کار می‌رود». (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

اگر از اموال عمومی اختلاس شود، حاکم اسلامی در پرداخت حقوق نیروهای نظامی و فراهم کردن نیازهای ایشان برای مقابله با دشمنان دچار مشکل شده و اسباب نارضایتی آنها فراهم شده و استقامتشان از بین می رود.

راهکارهای پیشگیری از اختلاس

برای پیشگیری از اختلاس کارگزاران حکومت با عنایت به آیین زمامداری امام علی(ع) راهکارهای زیر قابل ارائه است:

۱- رسیدگی حاکمان به معیشت و نیازهای اقتصادی کارگزاران حکومت؛

این راهکار مهمترین عامل پیشگیری از انحراف اقتصادی کارگزاران است و به عنوان راهکار مشترک در همه آسیبهای اقتصادی مطرح است. امام علی(ع) برای جلوگیری از خیانت مأموران جمع آوری زکات ابتدا سهامداران اموال عمومی را به آنها گوشزد نموده سپس پرداخت کامل حقوقشان را تضمین می کند؛

«بدان که از این زکات بهره‌ای معین و حقی آشکار برای تو هست و شریکانی از دردمندان و ضعیفان سخت فقیر داری. بنا بر این ما حق تو را تمام و کمال می‌پردازیم و تو نیز حقوق ایشان را تمام و کمال بپرداز و اگر کوتاهی کنی در روز قیامت تو از همه مردم بیشتر دشمن خواهی داشت».(همان، نامه ۲۶)

۲- تأکید حاکمان و مسئولان شایسته بر پرهیز از اختلاس؛

رویکرد اقتصادی حاکمان و مدیران دارای دو جنبه نظری و عملی است؛ جنبه نظری به توصیه ها و سفارشهای آنها به زیردستان خود مبنی بر ساده زیستی و پرهیز از اختلاس و خیانت در امانت مسلمانان برمی گردد و جنبه عملی ناظر به عملکرد ایشان در ساده زیستی و پرهیز از هرگونه تعرض و عدم رعایت ضوابط استفاده از اموال عمومی تحت اختیارشان است.

حضرت علی(ع) در توصیه به زیاد بن ابیه، او را از غوطه ور شدن در نعمات و اسراف و زیاده روی در مصرف اموال بر حذر داشته و احتیاج روز قیامت را به وی گوشزد می نمایند.(همان، نامه ۲۱)

امام(ع) به اندازه ای در سفارش به کارگزاران بر پرهیز از هرگونه اسراف و هدر رفت بیت المال تأکید داشتند که حتی آنها را از اسراف و زیاده نویسی در نامه ها نیز بر حذر داشته، می فرمودند:

« أَدِقُوا أَقْلَامَكُمْ وَ قَارِبُوا بَيْنَ سَطُورِكُمْ وَ اخْذِفُوا عَنِّي فُضُولَكُمْ وَ اقْصِدُوا قَصْدَ الْمَعَانِي وَ إِيَّاكُمْ وَ الْإِكْثَارَ فَإِنَّ أَمْوَالَ الْمُسْلِمِينَ لَا تَحْتَمِلُ الْإِضْرَارَ »؛ (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۳۱۰/۱؛ حرعاملی، ۱۴۱۴ق: ۱۲۶/۶)

«قلمهای خود را نازک بتراشید و سطرها را به هم نزدیک کنید، موارد زیادی را بیندازید و کوتاهترین عبارت را برای بیان مقصود به کار برید، از زیاده روی پرهیزید زیرا به اموال مسلمانان زیان رساندن روا نیست».

مولای متقیان(ع) به عنوان رهبر اسلامی میزان بهره مندی خود از دنیا را جهت الگوسازی اقتصادی برای کارگزاران در زندگی فردی اینگونه تبیین نمودند؛

«أَلَا وَ إِنَّ إِمَامَكُمْ قَدْ اكْتَفَى مِنْ دُنْيَاهُ بِطَمَرِيهِ وَ مِنْ طُعْمِهِ بِقُرْصِيهِ أَلَا وَ إِنَّكُمْ لَا تَقْدَرُونَ عَلَى ذَلِكَ وَ لَكِنْ أَعْيُنُونِي بِوَرَعٍ وَ اجْتِهَادٍ وَ عَفٍّ وَ سَدَادٍ فَوَاللَّهِ مَا كَنْزْتُ مِنْ دُنْيَاكُمْ تَبْرًا وَ لَا ادْخَرْتُ مِنْ غَنَائِمِهَا وَفَرًّا وَ لَا أَعْدَدْتُ لِبَالِي ثَوْبِي طَمْرًا»؛ (نهج البلاغه، نامه ۴۵)

«بدانید که امام شما از دنیای خود به دو لباس فرسوده و دو قرص نان قناعت کرده و شما نمی‌توانید مثل امامتان زندگی کنید و لکن مرا با پرهیزکاری و تلاش و عفت و درستکاری خویش یاری نمایید. قسم به پروردگار از دنیای شما طلا نیندوخته و از غنیمت‌های آن مال فراوانی ذخیره نکرده و با لباس فرسوده‌ای که در بردارم لباس فرسوده دیگری مهیا نساخته‌ام».

علاوه بر این ایشان در کلامی رسا هنگام ورود به کوفه خطاب به مردم فرمودند:

«من با این جامه های اندک و این باروبنه و مرکب که می بینید، به سرزمین شما پانهادم. اگر بیشتر از آنچه به هنگام آمدن داشته ام با خود ببرم، به یقین از خیانتکارانم». (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق: ۹۸/۲؛ بحرانی، ۱۴۱۱ق: ۲۳۱/۲)

امام علی(ع) در عمل نیز نسبت به صرفه جویی و حفظ بیت المال مسلمانان اهتمام ویژه ای داشتند، چنانکه شبی عمروعاص بر ایشان که در بیت المال بودند وارد شد، حضرت(ع) چراغ را خاموش کردند و در روشنی نور ماه نشسته، روا نداشتند که بی جهت از چراغ بیت المال استفاده کنند.(ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق: ۱۱۰/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۱۶/۴۱)

علاوه بر این در روایات معصومین (علیهم السلام) بر زهد و پرهیز از هرگونه اسراف امام (ع) در منصب حاکمیت جامعه اسلامی نیز تأکید شده است، چنانکه از امام باقر (ع) روایت شده است:

«علی (ع) پنج سال ولایت داشت که در آن آجری بر آجر و خشتی بر خشت نهاد و زمینی را تصاحب نکرد و سیم و زری از خود به ارث نگذاشت». (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۲۸۱؛ فتال نیشابوری، ۱۳۷۵: ۱/ ۱۱۷؛ شامی، ۱۴۲۰ق: ۲۴۴)

۳-بازرسی حاکمان و مسئولان از عملکرد کارمندان؛

حاکمان و مدیران باید با بازرسی های آشکار و پنهان عملکرد کارمندان خود را تحت نظر داشته باشند تا در صورت بروز هرگونه خطا و اشتباه برخورد مناسب را با آنها انجام دهند، چنانکه امام علی (ع) در حکومت خود بارها از عملکرد کارگزاران خود بازرسی نموده و در صورت اشتباه آنها را توبیخ نمودند. (نهج البلاغه، نامه های ۳، ۴۰، ۴۳، ۵۳، ۶۳)

راههای مقابله با اختلاس

حاکمان و مسئولان ارشد پس از بازرسی های لازم از عملکرد کارگزاران و آگاهی از خیانت آنها باید با برخورد مناسب و قاطع سعی در برطرف کردن آسیب ایجاد شده نمایند. این برخورد با عنایت به تعالیم علوی (ع) دارای چهار مرحله است:

الف- نصیحت و توبیخ:

وقتی اخبار اختلاس کارگزاری به امام علی (ع) می رسید، ایشان در گام نخست او را توبیخ کرده و از پیامدهای دنیوی و اخروی عملش آگاه می کردند، از جمله هنگامی که حضرت (ع) از اختلاس منذر بن جارود عبدی آگاه شدند، ابتدا اصالت و حسن سابقه پدر او را گوشزد نموده سپس پیامد عمل نادرستش را تباهی دنیا و آخرت دانسته، فرمودند:

«اگر آنچه از تو به من خبر رسیده درست باشد شتر خانواده ات و بند کفشت از تو بهتر است». (نهج

البلاغه، نامه ۷۱)

علاوه بر این ایشان وقتی از خیانت مصقله نیز آگاه شدند، خشم خدا و غضب ولی خدا را پیامد عملکرد نادرستش دانستند. (همان، نامه ۴۳)

ب-تهدید:

دومین گام از برخورد بایسته حاکمان، تهدید کارگزاران خیانتکار است. چنانکه امام علی(ع) در تهدید زیاد بن ابیه سوگند یاد می کنند که اگر او در اموال بیت المال کوچکترین خیانتی بکند چنان بر او سخت گیرند که درمانده و ذلیل شود. (همان، نامه ۲۰)

امام(ع) وقتی از خیانت عبدالله بن عباس آگاه می شود، ابتدا نسبت فامیلی و جایگاهش را گوشزد نموده، او را به بازگرداندن اموال توصیه می کنند و در نهایت او را تهدید نموده، می فرمایند:

« اگر اموال را برنگردانی و خداوند به من قدرت دهد و بر تو دست یابم چنان کیفری تو را دهم که نزد خدا عذر خواه من گردد. و چنان با شمشیرم بر تو بکوبم که کسی را با آن نزد من مگر آنکه به جهنم وارد شد». (همان، نامه ۴۱)

پس از دو گام ابتدایی که شامل بعد نظری برخورد بایسته حاکمان و مدیران است باید اقدام عملی لازم در جهت بازگرداندن، تنبیه و مجازات خاطیان به منظور جلوگیری از رواج اختلاس در بدنه حاکمیت انجام پذیرد.

ج-مصادره اموال به تاراج رفته

حاکمان باید پس از آگاهی از موارد اختلاس، ابتدا اموال ربوده شده از بیت المال مسلمانان را به جایگاه خود بازگردانند چنانکه حضرت علی(ع) در نامه به زیاد بن ابیه می فرمایند:

«لَيْسَ بَلَعْنِي أَنْكَ خُنْتَ مِنْ فِئَةِ الْمُسْلِمِينَ شَيْئًا صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا لَأُشَدَّنَّ عَلَيْكَ شَدَّةً تَدْعُكَ قَلِيلَ الْوَفْرِ» (همان، نامه ۲۰)

« اگر به من خبر رسد که تو در بیت المال مسلمین کم یا زیاد خیانت کرده ای چنان بر تو سخت می گیرم که چیزی از مال دنیا در اختیار نباشد».

وقتی اشعث بن قیس که فرماندار آذربایجان بود نیز مقداری از اموال بیت المال را ربود، امام(ع) او را توبیخ کرده و دستور دادند که به خدمت ایشان برسد، اشعث پس از ملامت دوستان و افراد قبیله اش به سوی حضرت(ع) آمد و اموالش را خدمت ایشان عرضه کرد، امام(ع) همه اموال را گرفتند و مقداری از آن را برای گذران زندگی به او بخشیدند.(بحرانی، ۱۳۶۲: ۳۵۲/۴)

د-کیفر و مجازات:

آخرین مرحله از برخورد بایسته حاکمان، مجازات اختلاس گران است. اگر مجازات بازدارندگی لازم را نداشته باشد، این آسیب در کارگزاران حکومت فراگیر می شود ازاینرو مسئولان باید مجازات و کیفر کافی برای خاطیان درنظر گرفته و با قاطعیت آن را اعمال کنند. امام علی(ع) در اینباره به مالک اشتر می فرمایند:

«فَإِنْ أَحَدٌ مِنْهُمْ بَسَطَ يَدَهُ إِلَى خِيَانَةٍ اجْتَمَعَتْ بِهَا عَلَيْهِ عِنْدَكَ أَخْبَارُ عِيُونِكَ اِكْتَفَيْتَ بِذَلِكَ شَاهِدًا فَبَسَطَ عَلَيْهِ الْعُقُوبَةَ فِي بَدَنِهِ وَ أَخَذَتْهُ بِمَا أَصَابَ مِنْ عَمَلِهِ ثُمَّ نَصَبَتْهُ بِمَقَامِ الْمَذَلَّةِ وَ وَسَمَتْهُ بِالْخِيَانَةِ وَ قَلَدَتْهُ عَارَ التُّهْمَةِ»؛(نهج البلاغه، نامه ۵۳)

« اگر یکی از آنها آلوده به خیانت شد و اخبار بازرسانت همگی علیه او جمع آوری گردید آن اخبار را حجت قرار ده و قبول کن و شخص خائن را با تنبیه بدنی کیفر ده و او را به سزای عملش برسان و او را پست و زبون کن و داغ خیانت را بر او بزنی و ننگ بدنامی را به گردنش بینداز.»

کیفر و مجازات اختلاس کننده از دیدگاه مولای متقیان(ع) دو رکن دارد؛ یکی تنبیه بدنی و دیگر از بین بردن منزلت اجتماعی متهم و بی آبرو کردن او.

وقتی امام(ع) از خیانت مأمور بازار اهواز آگاه شدند به فرماندار خود دستور دادند که فرد خاطی را عزل و زندانی کند و مردم را از این اقدام باخبر کند تا اگر شکایتی دارند مطرح کنند و همه کارمندان حکومتی را نیز مطلع کند تا قاطعیت حکومت در کیفر و مجازات اختلاس کننده را دریابند سپس از او می خواهند که روزهای جمعه، خائن را از زندان خارج و سی و پنج تازیانه بر او بزنند و در بازار بگردانند تا اگر کسی شکایتی داشت بگوید، بعد بر گردن و پایش زنجیر زده و به زندان بازگردانند، در زندان نیز هنگامی که همه زندانیان برای تفریح به حیاط می آیند، او را از حبس خارج نکنند.(ابن حیون، ۱۳۸۵: ۵۳۲/۲-۵۳۳)

امام علی(ع) حتی در زندان نیز محدودیتهایی بر کارگزار متخلف اعمال می کنند زیرا وقتی کارگزاران به حقوق مردم تعدی می کنند تنها یک مجرم معمولی نیستند بلکه علیه همه جامعه مرتکب خیانت شده اند و باید به گونه ای مجازات شوند که کارگزاران دیگر جرأت خیانت و اختلاس نداشته باشند.

اصل مهم در برخورد بایسته حاکمان با اختلاس گران، لزوم حق گرایی نسبت به همه و پرهیز از فامیل گرایی است چنانکه حضرت علی(ع) خطاب به عبد الله بن عباس می فرمایند:

«وَاللَّهِ لَوْ أَنَّ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ فَعَلَا مِثْلَ الَّذِي فَعَلْتَ مَا كَانَتْ لَهُمَا عِنْدِي هَوَادَةٌ وَلَا ظَفِرًا مِنِّي بِإِرَادَةٍ حَتَّى أَخْذَ الْحَقَّ مِنْهُمَا وَأَزِيلَ الْبَاطِلَ عَنْ مَظْلَمَتِهِمَا»؛ (نهج البلاغه، نامه ۴۱)

«به خدا قسم اگر حسن و حسین آنچه را تو انجام دادی انجام می دادند، از من نرمشی نمی دیدند، و به مرادی نمی رسیدند، تا اینکه حق را از آنان بگیرم، و باطلی را که از ستمشان به وجود آمده نابود سازم».

نتیجه گیری

۱- یکی از مهمترین آفات اقتصادی کارگزاران حکومت، اختلاس است که از جمله پیامدهای ناگوار آن، تضییع حقوق مردم، افزایش فقر و ایجاد نارضایتی از حکومت است.

۲- پناهندگی و سرسپردگی به بیگانگان مهمترین نشانه کارگزاران خیانتکار به بیت المال مسلمین است.

۳- ویژگیهای فردی مهم که به اختلاس می انجامد عبارتست از: ضعف ایمان به خدا و قیامت، پیروی از هوای نفس، زیاده خواهی و ترس از دست دادن منصب حکومتی.

۴- مهمترین عامل بیرونی در ایجاد اختلاس، عدم توجه حاکمان و مسئولان ارشد به معیشت زیردستان است.

۵- سه راهکار حکومت علوی(ع) برای پیشگیری از اختلاس عبارتست از:

الف) رسیدگی به معیشت و نیازهای اقتصادی کارگزاران حکومت

ب) تأکید بر پرهیز اختلاس در گفتار، رفتار و عملکرد

ج)بازرسی از عملکرد کارمندان

۶-عملکرد حاکمان و مسئولان ارشد برای مقابله با اختلاس کارگزاران با عنایت به تعالیم امام علی(ع)

چهار مرحله دارد:

الف)نصیحت و توبیخ

ب)تهدید

ج)مصادره اموال به تاراج رفته

د)کیفر و مجازات

منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد(۱۳۳۷ش). شرح نهج البلاغه، قم:کتابخانه عمومی آیت ا... مرعشی نجفی
- ابن بابویه، محمد بن علی(۱۳۷۶ش). الأمالی، تهران:کتابچی
- ابن بابویه، محمد بن علی(۱۳۶۲ش). الخصال، قم:جامعه مدرسین
- ابن حیون، نعمان بن محمد(۱۳۸۵ق). دعائم الاسلام، قم:موسسه آل البيت
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی(۱۳۷۹ق). مناقب آل ابیطالب، قم:علامه
- ابن عبد ربّه اندلسی، احمد بن محمد(۱۴۰۴ق). العقد الفرید، بیروت: دارالکتب العلمیه
- ابن منظور، محمد بن مکرم(بی تا). لسان العرب، بیروت: دارصادر
- ابوجیب، سعدی(بی تا). القاموس الفقہی لغة و اصطلاحا، دمشق:دارالفکر

- بحرانی، سید هاشم بن سلیمان (۱۴۱۱ق). *حلیۃ الابرار فی احوال محمد و آلہ الاطهار*، قم: مؤسسۃ المعارف الاسلامیۃ

- بحرانی، میثم بن علی (۱۳۶۲ش). *شرح نهج البلاغه*، بی جا: دفتر نشر کتاب
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷ق). *أنساب الأشراف*، بیروت: دارالفکر
- ثقفی، ابراهیم بن محمد (۱۴۱۰ق). *الفهارات*، قم: دارالکتاب الاسلامی
- جوهری، اسماعیل بن حماد (بی تا). *الصحاح*، بیروت: دارالعلم للملایین
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق). *هدایۃ الامة الی احکام الأئمة*، مشهد: آستان قدس رضوی
- حمیری، نشوان بن سعید (بی تا). *شمس العلوم و دواء الکلام العرب من الکلوم*، دمشق: دارالفکر
- شامی، یوسف بن حاتم (۱۴۲۰ق). *الدر النظیم فی مناقب الأئمة اللہامیم*، قم: جامعہ مدرسین
- صفوت، احمد زکی (بی تا). *جمہرۃ رسائل العرب*، بیروت: المکتبۃ العلمیۃ
- طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵ش). *مجمع البحرين*، تہران: مرتضوی
- فتال نیشابوری، محمد بن احمد (۱۳۷۵ش). *روضۃ الواعظین و بصیرۃ المتعظین (ط - القدیمۃ)*، قم: انتشارات رضی

- فراہیدی، خلیل بن احمد (بی تا). *کتاب العین*، قم: نشر حجرت
- فیض الاسلام، علی نقی (۱۳۷۹ش). *ترجمہ و شرح نهج البلاغه*، تہران: انتشارات فقیہ
- کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۹ق). *رجال الکشی (اختیار معرفۃ الرجال)*، مشهد: مؤسسہ نشر دانشگاه مشهد

- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*، بیروت: دار احیاء تراث العربی
- مطرزی، ناصر بن عبد السید (بی تا). *المغرب فی ترتیب المعرب*، حلب: مکتبۃ اسامۃ بن زید
- معلوف، لوئیس (۱۳۷۴ش). *المنجد فی اللغۃ*، قم: نشر بلاغہ
- موسی، حسین یوسف (بی تا). *الإفصاح فی فقہ اللغۃ*، قم: مکتب الاعلام الاسلامی
- ہاشمی خویی، میزا حبیب (۱۴۰۰ق). *منہاج البراعۃ فی شرح نهج البلاغه*، تہران: مکتبہ الاسلامیۃ

- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (بی تا). *تاریخ یعقوبی*، بیروت: دارصادر